

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

بحث در این فرض بود که اگر کسی در اثناء نماز نداند که این نماز، نماز ظهر است یا نماز عصر؟ و یقین دارد به این که نماز ظهر را نیاورده، یا شک دارد در این که نماز ظهر را آورده یا نه؟ مرحوم سید(ره) فرموده‌اند: در اینجا به نماز ظهر عدول کند.

امام(رضوان الله علیه) فرموده‌اند: اگر در وقت مشترک بین ظهر و عصر هست، عدول واجب است و اگر وقت مختص به ظهر قرار گرفته، بنا بر یک مبنا عدول لازم است و آن هم این مبناست که بگوییم: آوردن نماز در وقت مختص ظهر، نماز خارج وقت نیست.

اما بنا بر این مبنا که بگوییم: این حکم نماز خارج وقت دارد، اصلاً این نماز باطل است، لذا دیگر عدول معنا ندارد. عدول در جایی است که معدولٌ عنه صحیحاً واقع شده باشد، اما در جایی که معدول عنه صحیحاً واقع نشده باشد، دیگر عدول معنا ندارد.

نقد و بررسی کلام امام(ره)

در اینجا نکته‌ای را که می‌خواهیم به عنوان تعلیقه بر فرمایش امام(ره) عرض کنیم، این است خود مسئله عدول، نماز را فی الوقت قرار می‌دهد، یعنی اگر شخص در وقت مختص به ظهر، نماز عصر را می‌خواند، اگر از اول نماز عصر را نیت کند و علم دارد که نماز ظهر را نخوانده، خوب در اینجا قطعاً این نماز باطل است و مجالی هم برای عدول در آن وجود ندارد.

اما در مواردی که مجال برای عدول وجود دارد، آیا نمی‌توانیم بگوییم که: ولو در همین وقت مختص ظهر که دارد نمازی می‌خواند، که نمی‌داند نماز ظهر است یا نماز عصر؟ اگر از اول نیت نماز عصر کرده، عدول می‌آید این را نماز ظهر قرار می‌دهد، یعنی با خود عدول دیگر این نماز، نماز خارج وقت نمی‌شود.

به عبارت اخری اگر بعد از عدول هم می‌گفتیم: این نماز، نماز خارج وقت است، مثل آن نمازی که دیروز عرض کردیم، که اگر قبل از وقت ظهر و قبل از زوال، چهار رکعت نماز بخوانید، این نماز خارج وقت و باطل است و صلاحیت برای هیچ چیزی ندارد، الا این که بگوییم: از مصادیق ذکر مطلق واقع می‌شود.

حالا اگر کسی مثلاً نذر کرده که در روز یک دقیقه ذکر داشته باشد، این از مصادیق ذکر مطلق واقع می‌شود، اما کسی که در وقت مختص ظهر نماز می‌خواند، در این فرض قبول داریم که وقتی که بداند ظهر را نیاورده و عمداً به نیت عصر انجام دهد،

این باطل است و اصلاً جایی برای عدول نیست. اما اگر در وقت مختص، در اثناء نماز شک کرد که این عنوان ظهر را دارد یا عصر؟ به سبب نفس عدول، این نماز داخل وقت می‌شود، چه اشکالی دارد که این حرف را زده بگوییم: به سبب عدول، این نماز داخل وقت می‌شود.

بنابراین این جهت در ذهن هست، لذا در اینجا باید به ایشان عرض کنیم، که در همین وقت مختص هم چه قائل به مبنای اول شویم و چه قائل به مبنای دوم، اگر گفتیم که: ادله عدول اینجا را هم می‌گیرد، یعنی ادله عدول می‌گوید: در جایی که نماز ظهر را نیاورده، اگر یک نماز چهار رکعتی می‌خواند، چون ادله عدول مختص به وقت مشترک نیست، لذا می‌گوید: این مطلقاً به نماز ظهر عدول کند، که بعد از عدول، بنفَس العدول این نماز در وقت واقع شده است.

بله اگر بعد از عدول، نماز در وقت واقع نمی‌شد، این اشکال و نظر شریف ایشان درست بود، اما بعد از عدول این نماز در وقت واقع شده است.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) الان داریم در وقت اختصاصی عرض می‌کنیم، در وقت اختصاصی، جایی که می‌دانید ظهر را نیاورید، اگر عمداً نیت عصر را از اول کنید، در اینجا را قبول داریم که این نماز، نماز خارج وقت است، اما جایی که می‌دانید ظهر را نیاورید، 4 رکعت شروع کردید، در اثناش نمی‌دانید ظهر هست یا عصر، می‌گویید: ادله عدول جایی که یقین دارید ظهر را نیاورید، به ظهر عدول کنید، که عرض کردیم آن ادله عدول هم اطلاق دارد و اختصاص به وقت مشترک ندارد، که می‌گوییم: با همین عدول، این نماز را، نماز ظهر قرار می‌دهد و نماز، نماز داخل وقت می‌شود.

اگر از اول نیت عصر بوده، به ظهر بر می‌گردد، اینها عدول تقدیری است و عدول تقدیری یعنی اگر از اول نیت ظهر بوده، که اصلاً عدول نیست و خودش ظهر است و اگر از اول نیت عصر بوده، به حسب الواقع به ظهر بر می‌گردد، که عدول تقدیری یا رضایی می‌شود.

قسم دوم در فرمایش امام(ره)

امام(ره) مسئله را سه صورت کرده و در این فرض عدول فرموده‌اند: این که سید(ره) فرموده: «لا اشکال فی حضور العدول» در وقت مشترک، وقت مشترک را قبول دارند، بعد دو فرع دیگر را هم مطرح کرده‌اند؛ 1- اگر این نماز مشروط را در وقت مختص ظهر بیاورند؛ که الان فرض بحث ما اینجا است، فرموده‌اند: اگر در فرض ظهر، یعنی همان اول زمان، 4 رکعت را شروع کرده و در اثناش نمی‌داند نیت ظهر کرده یا نیت عصر، امام(ره) فرموده‌اند: در اینجا دو مبنا وجود دارد؛ که بنا بر یک مبنا، که مبنای مشهور است، که گفته‌اند: در وقت مختص ظهر اگر نماز عصر را آوردی، این حکم نماز خارج وقت را دارد.

اما بنا بر مبنای دوم، که خود امام(ره) هم همین مبنای دوم را قبول دارند، که این حکم نماز خارج وقت را ندارد، فرموده‌اند: در اینجا دیگر جای عدول نیست، چون این نماز خارج وقت آورده شده و عدول در جایی است که نماز فی الوقت باشد و ما از آن به نماز دیگر عدول کنیم، اما این خارج وقت است.

نقد و بررسی قسمت دوم فرمایش امام(ره)

مناقشه یا تعلیقه‌ای که در فرمایش ایشان داریم این است مشهور هم که گفته‌اند: اگر در وقت مختص به ظهر کسی نماز عصر را آورد، حکم نماز خارج وقت آورد، این فی صورة العمد است، یعنی عمداً و از روی علم از اول نیت عصر کند، که در اینجا نماز خارج وقت است.

روایات عدول می‌گوید: کسی که نماز 4 رکعتی می‌خواند، بعد فهمید نماز ظهر را نیاورده، «عدل الي الظهر»، یا «يجعله ظهراً»، عرض ما این است که این ادله اطلاق دارد و مشهور هم که گفته‌اند: در آن فرض عنوان نماز خارج وقت دارد، این در صورت عمد و علم است، پس این آدم در اینجا در اثنای نماز می‌تواند عدول کند، چه مبناي مشهور را قائل شویم و چه مبناي غیر مشهور را قائل شویم.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) نیت که مقوم است، برای منع جریان قاعده تجاوز درست است، اما با ادله عدول دیگر مجالی برای این مطلب نیست، چون ادله عدول می‌گوید: اگر از حالا، ولو در سجده دوم آخر نماز، نیت ظهر کردی، تمام نماز باطل می‌شود، یعنی الان عنوان قصد ظهریت را می‌کنی، هم برای دفع مانع و هم تمام ظهر واقع می‌شود.

آن مطلب برای این بود که جلوی اجرای قاعده تجاوز را بگیرند، که ما هم قبول کردیم و جایش آنجاست.

مورد روایات اصلاً کسی است که از اول سهواً نیت عصر می‌کند، یعنی خیال کرده که ظهر را آورده، نیت عصر می‌کند، بعد در اثناء متوجه می‌شود که نماز ظهر را نیاورده، در اینجا عدل الي الظهر، البته در اینجا عدول تقدیری است، یعنی از اول اصلاً نمی‌داند که چه نیتی کرده، اما از دو حال خارج نیست، یا نیت ظهر کرده و یا نیت عصر، اگر نیت ظهر کرده دیگر لا مجال للعدول و خود ظهر را ادامه می‌دهد، اما اگر به حسب الواقع نیت عصر شده باشد، عدول محقق می‌شود.

اگر در وقت مختص ظهر، می‌داند که از اول هم نیت عصر کرده، اما سهواً نیت کرده، ادله عدول اینجا را هم می‌گوید، چون اطلاق دارد، در ادله عدول که نیامده، «في الوقت المشترك» و سرّ این هم که مشهور در مسئله عدول بین وقت مشترک و وقت مختص فرق نگذاشته‌اند، شاید همین جهت باشد.

قسم سوم در فرمایش امام(ره)

در قسمت سوم فرموده‌اند: اگر این نماز مشکوک در وقت مختص عصر است، در اینجا برای این که در وقت مختص عصر تعبیر کرده‌اند به «لتقدم حق العصر علي الظهر»، چون حق عصر بر ظهر مقدم است، در اینجا هم مجالی برای عدول نیست.

در اینجا هم فرموده‌اند: اگر به اندازه این که این نماز را رها کنید و یک رکعت از نماز عصر را درک کنید، باید این کار را انجام دهید، اما اگر به این اندازه مجالی ندارید، باز همان مطلب قبلی را فرموده‌اند که: عقل می‌گوید: باید این 4 رکعت را تمام کنی و بعد نماز را قضا کنی، چون فرض این است که نماز ظهر را که نیاوردیم، لذا هم نماز ظهر را باید قضا کند و هم نماز عصر را.

این فرمایش امام(ره) در اینجا درست است، چون ادله عدول دیگر اینجا را شامل نمی‌شود، در اینجا که کسی در وقت عصر یادش رفته و نماز ظهر را نخوانده، ادله عدول اینجا را نمی‌گیرد.

مستند عدول در صورت شک

خوب مسئله از اول سه فرض داشت؛ یک فرضش این است که یقین دارد به این که ظهر را آورده، فرض دوم این بود که یقین دارد که ظهر را نیاورده، فرض سوم این است که شک دارد ظهر را آورده یا نه.

در این مطالبی که گفتیم که اگر در اثنای نماز شک دارد که ظهر است یا عصر و یقین دارد که ظهر را نیاورده، مسئله هم خیلی روشن است، باید به ظهر عدول کند، حال سؤال این است که در فرض شک چرا می‌فرمایید: بر ظهر عدول کند؟ الان کسی شک

دارد ظهر را آورده یا نه، در اثنای نماز که نمی‌داند این نماز، ظهر است یا عصر، چون مرحوم سید(ره) هم در فرض قبلی که یقین دارد ظهر را نیاورده و هم در اینجا که شک دارد ظهر را آورده یا نه، در هر دو فرموده: عدول کند.

حال سؤال این است که مستند این صورت شک چیست؟ یعنی به تعبیر دیگر آیا اینجا جای استصحاب است؟ یعنی این آدم که شک دارد نماز ظهر را آورده یا نه، باید عدم اتیان ظهر را استصحاب کند، وقتی استصحاب کرد، درست مثل کسی است که یقین دارد ظهر را نیاورده است.

البته نمی‌خواهیم بگوییم که: اصول عملیه علم تعبیدی است که مرحوم نائینی(ره) قائل است، اما امام(رضوان الله علیه) در اصول با مرحوم نائینی(ره) مخالفت کرده و ما هم تبعیت کردیم که این تعبیر به علم تعبیدی، تعبیر صحیحی نیست، اما بالاخره این حجت شرعی است.

گاهی بالوجدان می‌دانیم که نماز ظهر را نیاوردیم، گاهی هم بالاستصحاب می‌دانیم نماز ظهر را نیاوردیم و در عدول فرقی نمی‌کند، وقتی می‌گویند: عدول کند، یعنی چه در جایی که وجداناً نماز ظهر را نیاوردی و چه در جایی که استصحاباً نماز ظهر آورده نشده است.

بیان چند نکته

حالا اینجا چند نکته دیگر هم وجود دارد که به عنوان دقت باید به آن اشاره شود.

نکته اول: عدم صحت بناء گذاشتن بر قصد اولی

نکته اول این است که آیا این کسی که نماز می‌خواند و شک می‌کند که این نماز نماز ظهر است یا عصر، گفتیم که: در این دو فرض، فرضی که یقین دارد ظهر را نیاورده و فرضی که شک دارد، باید به نماز ظهر عدول کند، آیا نمی‌شود که کسی بگوید: این بنا بگذارد «علی ما قصده اولاً»، یعنی بگوید: همان که اول نماز من قصد کردم، چون اولاً یک احتمالش این است که ظهر قصد کرده باشد و یک احتمالش هم این است که عصر قصد کرده باشد، لذا بنا بگذارد «علی ما قصده اولاً»، چون به همین وسیله احتمال می‌دهد که امتثالش انجام شده باشد.

جواب این است که با این احتمال که برائت زمه حاصل نمی‌شود و این باید کاری کند که برائت زمه حاصل شود و تنها راهی که برای برائت زمه وجود دارد، «یجعلها ظهراً» است. در اول نماز هم یک احتمال این است که بعنوان ظهر شروع کرده، اما یک احتمال هم این است که به عنوان عصر شروع کرده و کسی نمی‌تواند در اینجا فتوا دهد که بنا بگذارد «علی ما قصده اولاً».

نکته دوم: عدم جریان قاعده تجاوز در ما نحن فیه

نکته دیگر این است که این کسی که در اثنای نماز شک می‌کند که آیا از راه قاعده تجاوز می‌تواند این مقدار گذشته را ظهر قرار دهد یا نه؟ قبلاً در آن فرع اول که یقین به اتیان ظهر دارد، گفتیم که: حال که در این نماز شک می‌کند، «قصد ما بیقین»، اما در این فرض که یقین دارد ظهر را نیاورده و یا شک دارد ظهر را آورده یا نه، در اثنای نماز که شک می‌کند که نمازش، نماز ظهر است یا عصر، آیا می‌توانیم بگوییم قاعده تجاوز می‌گوید: آنچه که از اول آورده ظهر است؟

جواب این است که نه، اصلاً قبلاً گفتیم که: قاعده تجاوز در این عناوین مقومه جریان ندارد، قاعده تجاوز نمی‌گوید: آنچه که تا حال گذشته ظهر بوده است.

اگر ادله عدول را نداشتیم، اگر مسئله عدول تقدیری و عدول رجایی در اینجا مطرح نبود، باید می‌گفتیم که: این هم باطل است، یعنی اگر ما بودیم و قاعده تجاوز، در اینجا مجالی برای قاعده تجاوز نیست.

به عبارت اخیری اگر کسی گفت که: «لقائل عن یقول» که اصلاً ادله عدول ما نحن فیه را نمی‌گیرد، بلکه ادله عدول در جایی است که عنوان معدول عنه مشخص باشد، اما در اینجا مشخص نیست، آیا با قاعده تجاوز می‌توانیم آنچه که به حال این شخص از نماز آورده، بگوییم: عنوان ظهر را دارد؟

جواب این است که نه، قاعده تجاوز عناوین مقومه را شامل نمی‌شود. این اولاً.

ثانیاً: ما که به تبع امام (رضوان الله علیه) گفتیم که: قاعده تجاوز در اینجا جاری نیست و این اشکال را بیان کردیم، اما مرحوم آقای خوئی (ره) فرموده‌اند: نسبت به اجزاء گذشته می‌توانیم قاعده تجاوز را جاری می‌کنیم و می‌گوییم: این اجزاء گذشته صحیحاً واقع شده است، اگر هم بخواید صحیحاً واقع شود، باید به عنوان ظهر واقع شود، اما اشکال این است که قاعده تجاوز نسبت به گذشته مسئله را حل می‌کند، اما از حالا به بعد چه؟ شما تا نیابید که از حالا به بعد قصد ظهريت کنید، این نماز، نماز ظهر واقع نمی‌شود.

پس ببینید که ادله عدول دو خاصیت دارد؛ یک خاصیتش نسبت به گذشته است و یک خاصیتش نسبت به آینده است، در نتیجه نمازی را که می‌خواهد بیاورد، همه را نماز ظهر قرار می‌دهد، اما در قاعده تجاوز، اگر از آن اشکال اول هم صرف نظر کنیم، فقط نسبت به گذشته آن را درست می‌کند، اما نسبت به بعد، تا نیت ظهريت نکند، بعدش به عنوان ظهر واقع نمی‌شود.

نکته سوم:

در اینجا یک مطلبی هم با مرحوم آقای خوئی (قدس سره) داریم که اگر متن عروه را دیده باشید، ایشان بر این قسمت حاشیه زده که «اذن باتیان الظهر»، که در آنجا فرموده: کسی که علم دارد ظهر را آورده، در اثناء این نماز، «إذا رأي نفسه في العصر» قاعده تجاوز دارد و با قاعده تجاوز این نماز ایشان نماز عصر می‌شود، در آن فرضی که علم باتیان ظهر دارد.

نکته‌ای که داریم این است که چرا ایشان در اینجا که این شخص در اثناء نماز شک می‌کند که آیا این نمازش، نماز ظهر است یا نماز عصر؟ این حاشیه را زده است؟

این نکته را عرض کنم که مسئله حاشیه و تعلیقه خیلی مهم است، اصلاً از این حواشی عروه انسان می‌تواند معیار علمی افراد را بدست بیاورد و حتماً ایشان به این نکته توجه داشته، ولی جای سؤال است که بگوییم: شما که می‌فرمایید: «إذا رأي نفسه فعلاً بالعصر» ایشان فرموده: در این فرض قاعده تجاوز را بیاورید.

خوب این آدم که نماز را شروع کرده، «إذا رأي فعلاً في العصر» قاعده تجاوز می‌گوید: آنچه که تا به حال انجام داده ظهر است، باز در می‌گوید که یقین دارد قبلاً ظهر را نیاورده و یا شک دارد در این که آورده یا نه؟ قاعده تجاوز بنا بر مبنای مرحوم آقای خوئی (ره) عملی را که تا به حال آورده شده را تصحیح می‌کند، خوب در آن فرضی که یقین به اتیان ظهر داشته، تصحیح این است که آنچه که واقع شده بعنوان عصر است. اما در اینجا که یقین به عدم اتیان ظهر دارد و یا شک دارد، قاعده تجاوز

مي‌گويد: اين مقداري كه شما آوردي به عنوان ظهر است، منتها همان قيدي كه آنجا آوردند، «اذا رأى نفسه فعلاً في العصر».

قاعده تجاوز مي‌گويد: «اذا شككت» در اين كه اجزاء سابقه به عنوان صحيح بوده يا نه، بگو صحيح است و چون قبل ظهر را نياوردي، به عنوان ظهر واقع شده، الان هم فعلاً خودت را در حال عصر مي‌بيني، لذا از حالا به بعد نيت ظهر بكن، يعني مي‌خواهيم بگويم كه: ايشان اين تعليقه را در اينجا هم بايد ذكر مي‌کرد.

نكته چهارم را ان شاء الله شنبه دنباله مي‌كنيم.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين